

# پنج پنجره به جهان اساطیری

● فهمیه غنی نژاد

اشکار نمی‌شود و افکار خودآگاه آدمی رفتار وی را فقط تا میزان ناچیزی مهار می‌کند، وی تصویر استدلالی را که هوش آدمی بر این صحنه تسلط دارد، بی‌ارزش ساخت<sup>۷</sup>.

فریود که یکی از ابعاد چشمگیر نظریاتش، تأکید فراوان بر وجود گرایش‌های جنسی در کودکان و تأثیرات تعیین‌کننده آن در سنین بزرگسالی است. و از این جهت مخالفان بسیاری دارد- اصطلاح «عقدۀ اودیپ<sup>۸</sup>» را از اودیپ شهریار تراژدی معروف یونان باستان که در آن مردی نادانسته با مادر خویش ازدواج می‌کند - گرفته و آن را بر فرضیه خود که یکی از بحث‌انگیزترین فرضیه‌ها در عالم روانکاوی است، نهاده است.<sup>۹</sup> مجموعه نظریات فریود چون محوری، اندیشه‌های کارل آبراهام را در پیرامون خود می‌گرداند و بدین ترتیب، به دنیای اساطیر نیز تسری پیدا می‌کند:

«هن با تکیه بر فریود چنین ادعائی دارم نظرگاهم را چنین خلاصه می‌کنم: اسطوره، بخشی از حیات دوران کودکی بشریت است که بسر آمده است و به شکلی پوشیده، حاوی آرزوهای دوران کودکی نوع بشر است» (ص ۱۰۴).

فصلی از کتاب<sup>۱۰</sup> برونیسلا و مالدینوفسکی<sup>۱۱</sup> که از منظر مردم‌شناسی چشم بر اساطیر دارد، هدف او را این‌گونه روشن می‌سازد: «هدف این تحقیق عبارت است از نمایان ساختن مناسبات تنگاتنگ و نزدیکی که میان کلام و اسطوره و افسانه قدسی یک قبیله وجود دارد و نیز توضیح اعمال و آئین‌ها و سلوک اخلاقی و سازمان‌بندی اجتماعی و طبیعه فعالیت‌های عملی‌شان است.» (صفحه ۱۴۹)

او بر این اعتقاد است که پژوهش‌های اسطوره‌شناسانه یک مردم‌شناس، وابسته و منحصر به آثار فرهنگی مکتوب و محدود و نیمه ویران بازمانده از یک قوم نیست؛ وابستگی انحصاری و میدان عمل محدود، نتیجه‌های جز حدس و گمان‌های مبسوط نخواهد داشت. دو عامل بسیار مهمی که در رسانیدن قوم‌شناس به نتایجی مثبت در شناخت اسطوره نقش دارد، مفسران بومی اسطوره‌ها و همچنین عرصه زندگیست که زادگاه اسطوره است.

ترجمه قسمتی از کتاب<sup>۱۲</sup> ژان کازنوو<sup>۱۳</sup> قوم‌شناس

جهان اساطیری، تو در تویی است هزار افسون که هسته‌هایی از هستی واقعی را نیز در دل نهان دارد. این هزار تویی همه افسون که بارقه‌های واقعیت و خیال، و بیباری و خواب را با هم در خویش دارد و یک جا منعکس می‌کند درازایش با طول عمر تاریخی انسان پهلو می‌زند که زاده انسانست، و گویی همزاد تاریخی اوست.

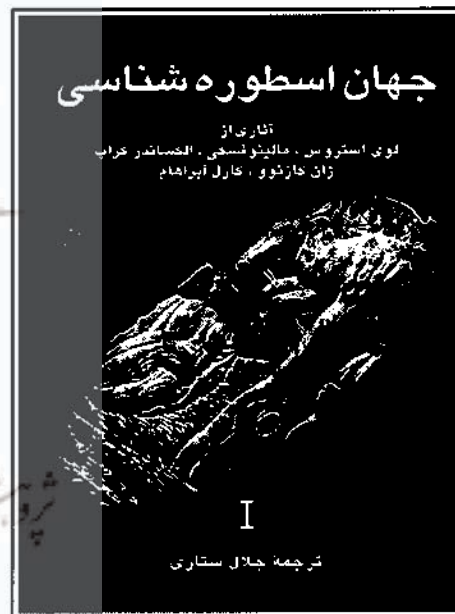
جهان اسطوره شناسی (۱) پنج دریچه گشوده از پنج زاویه مختلف بر جهان اساطیری است که در «هشت مقاله» آمده است. چهار مقاله اول، ترجمه فصل‌هایی از دو تالیف<sup>۱</sup> الکساندر کراب<sup>۲</sup> اسطوره شناس صاحب نام است که از دیدگاه جان گرابی یا جاندار پنداری<sup>۳</sup> به اساطیر می‌نگرد و بر اساس «یادداشت مترجم» در آغاز کتاب «شاید یک تن از آخرین نمایندگان بزرگ این مکتب باشد»: «انسان به موجودات عالم خلقت، زندگانی روانی و احساسی و کنش‌ها و واکنش‌های خویش را نسبت می‌دهد و در نوار اساطیری حتی از این حد نیز فراتر رفته، ذهنیتش را بر سراسر طبیعت، جاندار و بیجان، بسنان برده عظیمی، می‌تاباند.» «همین پدیده، البته به مقیاسی کوچکتر، همه روزه در قلب کسانی که بر اثر روزمرگی تمدنی ماشینی و خشن، هنوز نخشکیده است، تکرار می‌شود. یعنی کودکان و شعران...» (ص ۵۴).

مقاله نسبتاً بلند «رویا و اسطوره» از کارل آبراهام<sup>۴</sup> روانکاو پیرو زیگموند فریود<sup>۵</sup> نگاهی فریودی نسبت به اساطیر دارد. وی نیز بر این عقیده است که:

«... تصادف و اتفاق ابدا وجود ندارد؛ آنچه به نظر ما تقریب و تخمین کور می‌نماید، از سرچشمه‌های بس ژرف آب می‌خورد.» (ص ۶۱).

و همین «سرچشمه‌های بس ژرف» که خاستگاهی جز ضمیر ناخودآگاه انسان ندارد، اریش فروم<sup>۶</sup> را ناگزیر از قضاوتی این چنین، درباره فریود کرده‌است:

«با آن که فریود خردگرایی را به لوح خود رساند، در عین حال ضربه مهلکی علیه خردگرایی وارد آورد. با نشان دادن این که سرچشمه‌های فعالیت آدمی در ضمیر ناخودآگاه نهفته‌اند، یعنی در عمقی که قسمت اعظم آن هرگز در برابر دیده دقیق



- جهان اسطوره شناسی (۱)
- جلال ستاری
- نشر مرکز
- ۱۳۷۷
- ۲۱۲ ص
- بهاء: ۹۸۰ تومان



«انسان به موجودات عالم خلقت،

زندگانی روانی و احساسی و کنش‌ها و واکنش‌های خویش را نسبت می‌دهد،  
 و در ادوار اساطیری حتی از این حد نیز فراتر رفته،  
 ذهنیاتش را بر سراسر طبیعت، جاندار و بیجان، بسان برده عظیمی، می‌تاباند»  
 (الکساندر کراپ، ص ۵۲)

زنان کازنو اظهار می‌دارد که موجوداتی که مظهر قداست اند  
 و تمامی آنچه به نوعی به ایشان مربوط می‌شود  
 تنها در خارج از زمان و مکان معمولی می‌توانند  
 غیر معمولی، استثنایی، متعالی و دارای همان نقشی باشند که دین برعهده دارد.  
 آنها در این حال می‌توانند برای موجوداتی که در  
 زمان و مکان معمولی و واقعی قرار دارند و باز ساخته آنها محسوب می‌شوند،  
 مثل و صور خیالی باشند.

«من با تکیه بر فریود چنین ادعائی دارم  
 و نظر گاهم را چنین خلاصه می‌کنم:

اسطوره، بخشی از حیات دوران کودکی بشریت است که بسر آمده است  
 و به شکلی پوشیده، حاوی آرزوهای دوران کودکی نوع بشر است.»  
 (کارل آبراهام، ص ۱۰۴)

بازتابنده ذهنیت باز، ظرفیت علمی بسیار و سعه صدر گردآورنده  
 آن در شناساندن نظریات مغایر، مخالف و متعارض هم، نیز  
 هستند. من برآنم که جلال ستاری پیش از آن که مترجمی توانا  
 و یا گردآورنده‌ی دانا در ذیای اساطیر باشد اندیشمندی بافضیلت  
 در این گستره است که از ادانیسی و بلندنظری‌اش در جهت یافتن  
 و نمایاندن چشم‌اندازهای متفاوت اسطوره‌شناسی می‌تواند سرمشق  
 و آموزنده باشد. گذشته از حسن انتخابی که در جمع‌آوری مقالات  
 مشاهده می‌شود، یادداشت‌های روشنگری که به صورت زیرنویس  
 در پایین صفحات آمده، از چندان اسطوره‌شناسی (۱) کتابی  
 خواندنی و سودمند به دست نده است که در صورت داشتن  
 فهرست اعلام و موضوعی، و از نامه و کتابشناسی کامل  
 می‌توانست کتاب مرجع معتبر و مفیدی برای استفاده پژوهندگان  
 اسطوره و اسطوره‌شناسی باشد.

و جامعه‌شناس فرانسوی، مقاله دیگری از چندان اسطوره‌شناسی (۱)  
 است که چکیده نظریات گوناگون در تبیین اسطوره را با تکیه ویژه  
 بر نظریه توتم پرستی می‌آورد. زنان کازنو در این نوشته اظهار می‌دارد  
 که موجوداتی که مظهر قداستند. و تمامی آنچه به نوعی به ایشان  
 مربوط می‌شود. تنها در خارج از زمان و مکان معمولی می‌توانند  
 غیر معمولی، استثنایی، متعالی و دارای همان نقشی باشند که دین بر  
 عهده دارد. آنها در این حال می‌توانند برای موجوداتی که در زمان و  
 مکان معمولی و واقعی قرار دارند و باز ساخته آنها محسوب  
 می‌شوند، مثل و ضروری خیالی باشند.

«قوم شناسان و متخصصان تاریخ ادیان غالباً کوشیدند که  
 اساطیر را با تحویل و تقلید آن‌ها به یکی از ساحاتشان (یعنی بر  
 مبنای یکی از جهات اسطوره) تبیین کنند. چنانکه فی‌المثل  
 بعضی، همه اساطیر را از یکتاپرستی و برخی دیگر از توتم  
 پرستی و یا از کیش و آئین پرستش نیاکان و پاره ای نیز از  
 ستایش ستارگان، مشتق دانستند. بعضی معتقدند که همه  
 اساطیر، توجیهی‌اند یعنی کارکردشان، شناخت سبب و علت  
 پدیده‌های طبیعی و آداب و رسوم و توجیه و تبیین آن‌هاست.  
 و دیدیم که در واقع تقریباً همواره چنین است، اما باید توجه داشت  
 که منظور، علت و تبیین به معنای علمی این واژه‌ها نیست و  
 درست تر آنست که بگوئیم اساطیر به واقعیت، مشروعیت  
 می‌بخشند و واقعیت را به جهانی دیگر می‌پیوندند و جابجا  
 می‌کنند و در واقع بدان رنگ و بوی قناست می‌دهند، و آئین‌ها که  
 گزارش اساطیر به صورت اعمال و حرکات اند جهان اساطیری  
 را متحقق می‌سازند و موجب بهرمندی و برخوردارگی موقیمت  
 بشری از صور مثالی فوق طبیعی می‌شوند.» (ص ۱۹۹)

#### یادداشت‌ها:

- ۱- اسطوره‌شناسی عمومی و پیدایش اساطیر.
- 2-Alexandre Haggerty Krappe
- ۳-animisme، اعتقادی کهن است که بر اساس آن تمامی موجودات  
 عالم اعم از درختان، رودها، کوهها، سنگها و... دارای روح و شخصیت  
 انگاشته می‌شود.
- 4-Karl Abraham
- ۵-Sigmund Freud، پزشک و روان‌کاو بزرگ اتریشی که از سال  
 ۱۸۵۶ تا ۱۹۳۹ میلادی می‌زیست.
- 6-Erich Fromm
- ۷- فروم، اریش، رسالت زیگموند فروید ترجمه فرید جواهر کلام؛ چاپ  
 دوم؛ تهران: شرکت سهامی کتابهای جیبی، ۱۳۵۴، ص ۱۲۵.
- 8-Oedipus Complex
- ۹- بروژو، فرانک. فرهنگ توصیفی روان‌شناسی؛ ترجمه فرزانه طاهری  
 و مهشید یاسایی؛ طرح نو، ۱۳۷۰؛ صص ۱۹۷-۱۹۸.
10. Trois ssais sur la vie Sociale des Primitifts.
- 11-Bronislaw Malinowski.
- 12.Lethnologie.
13. Jeancazeneuve.
- 14.C.Levi-Strauss.

آخرین مقاله کتاب، نوشته‌ای است از کلود. لوی استروس<sup>۱۴</sup>  
 که با نظمی ساختارگرایانه به اسطوره می‌نگرد و آن را با «زبان»  
 و «موسیقی» از جهانی قابل قیاس و به نوعی مرتبط می‌داند. او  
 میان اسطوره و موسیقی، پیوندی دوگانه با ماهیتی واحد قائل  
 است و آن را «پیوند همانندی» و «پیوند همجواری» می‌نامد.  
 غور و تفحص عالمانه جلال ستاری در متون متعدد و  
 متفاوت اسطوره‌شناسی و گزینش آگاهانه وی از میان  
 آنها، ماده اولیه کتابی را تدارک دیده که برگرداندن آن به  
 زبان فارسی، جهان اسطوره‌شناسی (۱) را شکل بخشیده  
 است. این نوشته‌های گوناگون که نگاه‌های مختلف به  
 جهان اساطیری و طبعاً تفسیرهای مختلفی از آن را باز می‌تاباند